

تحلیل روش‌های تربیت اخلاقی براساس مراحل صدور کنش اختیاری؛ از منظر ملاصدرا شیرازی

حمید عاشوری (نویسنده مسئول)*

دانشجوی دکتری فلسفه، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره). قم. ایران.

Ashoory.hamid@yahoo.com

احمدحسین شریفی

استاد فلسفه، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره). قم. ایران.

Sharifi1738@gmail.com

چکیده

بحث از اخلاق و نهادینه کردن آن در جامعه همواره از دغدغه‌های اندیشمندان در حوزه اخلاق و تربیت بوده است؛ از این رو، تحت گرایشی جدید با عنوان تربیت اخلاقی، در مقام پاسخ به این دغدغه برآمدند. سؤال اصلی در پژوهش حاضر این است که از نگاه ملاصدرا، به عنوان یکی از فیلسوفان اسلامی برجسته، چه روش‌هایی در تربیت اخلاقی جاری می‌شود. این پرسش را می‌توان به گونه‌های مختلفی پاسخ داد، اما در این مقاله، براساس «مراحل صدور کنش‌های اختیاری»، به این پرسش پاسخ داده می‌شود. البته ملاصدرا تعبیر مختلفی در مراحل صدور فعل انسان دارد ولی آنچه مشهور است، تبیینی شش مرحله‌ای است که طبق آن مراحل صدور فعل عبارت‌اند از: «تصور فعل»، «تصدیق به فایده»، «شوق»، «شوق مؤکد»، «اراده» و در نهایت «قوة محرکه». این تحقیق با روشی تحلیلی سعی دارد با توجه به عبارات ملاصدرا، روش‌های تربیت اخلاقی را ذیل هر کدام از مراحل صدور فعل بیان کند و در پایان هم به تحلیل و بررسی نگاه صدرا و بیان نقاط قوت و ضعف آن بپردازد.

کلیدواژه‌ها: تربیت اخلاقی، روش‌های تربیت اخلاقی، الگوی خطی،

مراحل صدور فعل، ملاصدرا.

مقدمه

در مورد جایگاه و اهمیت اخلاق، و اینکه یک جامعه خوب جامعه‌ای است که مردم آن اخلاقی رفتار کنند، تردیدی نیست. سبک و سیاق عمومی کتاب‌های اخلاقی رایج این است که مباحثی را در مورد فضایل و رذایل اخلاقی مطرح می‌کنند و هر کدام طبق معیاری، به تقسیم‌بندی رفتار اختیاری و صفات اکتسابی انسان می‌پردازند؛ اما آنچه ذهن افراد دغدغه‌مند در حوزه اخلاق را درگیر کرده و سؤال رایج و عمومی بین اخلاق‌گرایان جامعه است، این است که چطور می‌توان ارزش‌های اخلاقی را در فرد و جامعه نهادینه کرد. این سؤال از چنان اهمیتی برخوردار است که می‌توان گفت علت اصلی شکل‌گیری دانشی به نام «تربیت اخلاقی» در دوران اخیر، تلاش در جهت ارائه پاسخی علمی و کاربردی به چنین سؤالی بوده است. تربیت اخلاقی دانشی است که «درصد آموزش برنامه‌ریزی شده و هدفمند ارزش‌های اخلاقی در همه حوزه‌های فردی و اجتماعی است و می‌کوشد ضمن شناسایی راه‌های نهادینه کردن ارزش‌های اخلاقی در زندگی فردی و اجتماعی، چگونگی این کار را به متریان آموزش دهد. از جهت دیگر، می‌توان دانش تربیت اخلاقی را دانشی دانست که با استفاده از مجموعه‌ای از تدابیر از قبیل هدایت، نظارت، شناسایی و زدودن موانع و شناسایی و فراهم کردن شرایط و مقتضیات، می‌کوشد ارزش‌های اخلاقی را در سطح فرد و جامعه ملکه‌سازی کند» (شریفی، ۱۳۹۶ الف، ج ۱: ص ۳۳).

در حوزه تربیت اخلاقی می‌توان مباحث گوناگونی از قبیل هدف، مبانی، اصول، روش‌ها و تکنیک‌های تربیت اخلاقی را مطرح کرد. نگارنده در این نوشتار در پی آن است که در گام اول راه‌ها و روش‌های تربیت اخلاقی را از لابه‌لای سخنان و اندیشه‌های صدرای و با تکیه بر مبانی حکمت متعالیه استخراج کرده و سپس قوت و ضعف مدل صدرایی یا به تعبیر دیگر، کارآمدی و کارایی آن را برای جامعه کنونی مورد تحلیل و بررسی قرار دهد.

مراد از روش‌های تربیت اخلاقی مسیری است که با پیمودن آن می‌توان به هدف تربیت اخلاقی دست پیدا کرد؛ راهی که باید طی شود تا ارزش‌های اخلاقی در جامعه نهادینه شود و تدابیری است که لازم است سنجیده و اجرایی شود تا هدف تربیت اخلاقی محقق شود.

روش‌های تربیت اخلاقی را از حیثیت‌های مختلف می‌توان بررسی و تقسیم‌بندی کرد. به عنوان مثال، می‌توان روش‌ها را ناظر به دوره‌های تربیت یعنی کودکی تا کهنسالی مورد بررسی قرار داد و یا می‌توان از حیث درجات ایمان متربی، آن‌ها را بازگو کرد؛ زیرا افراد از لحاظ ایمان، دارای مراتب مختلفی هستند و می‌توان روش‌ها را ناظر به این مراتب بیان کرد یا می‌توان از حیث وظیفه مربی یا متربی مورد بررسی قرار داد، یا از حیث زمینه‌ساز فضایل یا رذایل بودن آن‌ها را مورد بررسی قرار

داد. در این نوشتار تلاش می‌شود روش‌های تربیت اخلاقی با توجه به مراحل صدور کنش‌های اختیاری مورد بررسی قرار گیرد.

مراحل صدور فعل ازسوی انسان و اینکه چه مرحله‌ای در وجود انسان طی می‌شود تا یک فعل خاص از او سر بزند، یکی از مباحث مهم و بنیادین در «فلسفه فعل» است که همواره مورد توجه فیلسوفان مسلمان بوده است. فیلسوفان دیدگاه‌های مختلفی در تبیین مراحل صدور فعل بیان کرده‌اند؛ بیان و بررسی آن‌ها مجال دیگری می‌طلبد. آنچه برای این بحث به‌عنوان اصل موضوع نیاز است، دیدگاه ملاصدرا در این باره است. در عین حال، عبارات ملاصدرا نیز در این باب، متنوع و بلکه مختلف‌اند. در برخی عبارات تبیین سه مرحله‌ای (صدرالدین شیرازی، ۱۳۵۴: ص ۱۳۵؛ همو، ۱۳۸۷: ص ۳۲۴؛ همو، ۱۹۸۱م، ج ۶: ص ۳۶۱)، برخی چهار مرحله‌ای (همو، ۱۹۸۱م، ج ۲: ص ۲۵۱؛ ج ۶: ص ۳۵۶؛ همو، ۱۴۲۲: ص ۱۸۹؛ همو، ۱۳۶۰ الف: ص ۱۸۹؛ همو، ۱۳۶۳: ص ۵۰۳)، برخی پنج مرحله‌ای (همو، ۱۳۶۱، ج ۵: صص ۲۲۰-۲۱۹) و در برخی دیگر، تبیین شش مرحله‌ای (همو، ۱۹۸۱، ج ۶: صص ۳۵۵-۳۵۴؛ همو، بی‌تا: ص ۲۳۴) از مراحل صدور فعل ذکر کرده است. جمع بین این نظرات خود فرصتی جداگانه می‌طلبد و جایگاه آن در بحث ما نیست.^۱ در این مقاله یکی از مشهورترین تقریرهای صدرایی از مراحل صدور فعل، یعنی تقریر شش مرحله‌ای، محور بحث قرار می‌گیرد: ۱. تصور فعل، ۲. تصدیق به فایده، ۳. شوق، ۴. شوق مؤکد، ۵. اراده، ۶. قوه محرکه عضلات. طبیعتاً فعل اخلاقی، به آن دلیل که از جمله افعال اختیاری انسان است، باید برای پیدایش خود، همین مراحل را طی کند؛ بنابراین، برای ایجاد هرگونه تغییری در فعل اخلاقی، یکی از بهترین کارها این است که مراحل شش‌گانه صدور آن مورد توجه قرار گیرد و روش‌های تربیت اخلاقی با توجه به مراحل صدور یک فعل اخلاقی، تبیین شود.

هرچند درباره روش‌های تربیت نفس از نگاه صدرا مطالبی منتشر شده است و تحقیقاتی صورت گرفته است، به‌عنوان نمونه، کتاب درآمدی بر فلسفه‌های تعلیم و تربیت در تمدن اسلامی نوشته آقایان محمد داودی، محمد بهشتی و سعید بهشتی (۱۳۹۹)، کتاب درآمدی بر تربیت دینی براساس حکمت متعالیه نوشته آقای راستیان (۱۳۹۵)، مقاله «تدوین الگوی تعلیم و تربیت پلیس اسلامی بر مبنای حرکت جوهری انسان در حکمت متعالیه صدرالمتألهین» نوشته آقایان کریمی شهریار و بهشتی (۱۳۹۹)، مقاله «تحلیل فلسفی هوشمندی نظام هستی در حکمت متعالیه و تأثیر ایمان به آن در تربیت اخلاقی: ارائه یک مبنای نظری برای اخلاق‌مداری و تربیت

۱. از جمله مقالاتی که به این بحث از ملاصدرا پرداخته است و سعی کرده است که نظری را به‌عنوان جمع بین عبارات صدرا بیان کند، مقاله «فرایند صدور افعال اختیاری از انسان» است.

اخلاقی» نوشته خانم شنیدی و آقای هاشمی (۱۳۹۴)، مقاله «تحلیلی بر اهداف و روش‌های تربیتی مبتنی بر کمال نفس از دیدگاه ملاصدرا» نوشته طاهره بابازاده و رضاعلی نوروزی (۱۳۹۲)، مقاله «روش‌های تربیت نفس از دیدگاه ملاصدرا» نوشته فروغ‌السادات رحیم‌پور و هنگامه بیادار (۱۳۹۵)، پایان‌نامه «بررسی تربیت اخلاقی از دیدگاه غزالی و ملاصدرا» نوشته یعقوب شیخ‌زاده تکابی که در سال ۱۳۹۲ دفاع شده است و رساله «تدوین الگوی فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی بر مبنای نظام وجودشناختی معرفت در حکمت متعالیه» که در سال ۱۳۹۸ توسط آقای محمد شهریاری نوشته شده است؛ اما در هیچ‌کدام از موارد مذکور تلاش نشده است که روش‌های تربیت اخلاقی، بر اساس مدلی که ملاصدرا برای صدور کنش اختیاری بیان می‌کند، ارائه شود. علی‌رغم اینکه اگر به هدف و زمینه‌های شکل‌گیری دانش تربیت اخلاقی نگاهی بیندازیم، مشخص است که باید مطالبی که در این زمینه بیان می‌شود بیشتر جنبه کاربردی داشته باشد و به نظر ما در صورتی که روش‌های تربیت اخلاقی را در قالب مراحل صدور فعل مورد بررسی قرار دهیم، کاربردی‌تر خواهد بود و مشخص می‌شود که هر روش مربوط به کدام مرحله از صدور فعل انسان است.

با توجه به الگوی خطی که از ملاصدرا نقل شد، روش‌های تربیت اخلاقی را می‌توان ذیل شش مرحله مذکور دسته‌بندی کرد. نکته‌ای که باید توجه شود این است که با توجه به آنچه در پژوهشی دیگر درباره فصل ممیز انسان از نگاه ملاصدرا بیان شده است که وی معتقد است ناطقیت، فصل ممیز انسان است (عاشوری و شریفی، ۱۳۹۹: صص ۴۹-۴۳)، دانسته می‌شود که روش‌های ناظر به دو مرحله اول که مربوط به بینش هستند، اساسی‌ترین روش‌ها و مراحل تربیت اخلاقی اند و اولویت اول را دارند و سایر روش‌ها، از باب رفع موانع مطرح می‌شوند.

روش‌های ناظر به تصور فعل

با توجه به مراحل صدور فعل، در ابتدای امر لازم است انسان نسبت به کنش اخلاقی تصور پیدا کند و به نحوی با این کنش‌ها آشنا شود. تا زمانی که فرد اطلاعی اولیه از کنش‌های اخلاقی نداشته باشد، نمی‌تواند در مقام تصدیق به فایده قرار گیرد و از این رو، در ادامه به برخی از روش‌های ناظر به مقام تصور فعل اشاره می‌شود.

۱. برخورداری از آگاهی‌های زمینه‌ای

برخورداری از آگاهی‌های زمینه‌ای یعنی داشتن دسته‌ای از آگاهی‌ها و بینش‌هایی که زمینه فهم ما از وظایف اخلاقی را فراهم می‌کنند. به عنوان مثال، کسی که می‌خواهد کنشی اخلاقی مثل شکر

منعم را انجام دهد، طبق الگوی خطی ابتدا باید تصویری از شکر منعم داشته باشد. حال اگر کسی قائل به منعمی نباشد، آیا اساساً می‌تواند تصویری از این امر داشته باشد تا در مقام تصدیق به فایده و غیره قرار گیرد؟! ملاصدرا خود در عبارتی پیرامون تحقق شکر می‌گوید که در بعد بینشی فرد باید سه علم محقق شود که یکی از آن‌ها علم به نعمت‌دهنده و صفات اوست (صدرالدین شیرازی، ۱۳۸۳، ج ۱: ص ۴۲۶). ملاصدرا شرط لازم «توکل» به خدا به عنوان یک فضیلت اخلاقی را برخوردار از سه علم می‌داند: علم به توحید، علم به قدرت کامله خداوند و علم به جود و حکمت خداوند (همان، ج ۱: ص ۴۳۰)؛ از این رو، لازم است فرد دارای شناخت‌های زمینه‌ای متناسب با کنش‌ها و وظایف اخلاقی باشد.

۲. کسب علم و آگاهی نسبت به کنش‌های اخلاقی

افراد برای انجام کنش‌های اخلاقی باید نسبت به آن‌ها تصویری پیدا کنند تا طبق الگوی خطی که از ملاصدرا بیان کردیم، در مقام تصدیق به فایده قرار گیرند. به عنوان مثال، تا زمانی که فردی اطلاعی از ارزشمندی کمک کردن به دیگران نداشته باشد، چطور می‌خواهیم از او انتظار تصدیق به فایده داشته باشیم؛ از این رو، یکی از گام‌های مربوط به تصور فعل، تعلیم و آموزش اخلاقیات به متریان است. افراد باید بدانند که علوم مفید برای سیر حرکت آن‌ها چیست و در پی کسب آن‌ها باشند؛ ملاصدرا خود در عبارتی می‌گوید که انسان باید از علوم غیر مفید دوری کند و در پی علوم حقیقی باشد (همو، ۱۹۸۱، ج ۹: ص ۱۱۹) و در مقام کسب علوم و معارف قرار گیرد (همو، ۱۳۸۳، ج ۱: ص ۵۸۷). البته گاهی اوقات ممکن است خود افراد توانایی کسب علوم و معارف ناظر به اخلاقیات را نداشته باشند که در اینجا وظیفه مربیان است که به گونه‌ای مناسب، اخلاقیات را برای چنین افرادی ترسیم کرده و مرزهای فضیلت و رذیلت و همچنین، مصادیق آن‌ها را تشریح کنند؛ چیزی که سیره بزرگان ما در مواجهه با عموم مردم بوده است. ملاصدرا هم به این مطلب اشاره داشته است و یکی از وظایف مربوط به ائمه را بیان احکام و معارف و علوم مربوط به سعادت انسانی می‌داند (همان، ج ۱: ص ۹۷).

روش‌های ناظر به تصدیق فعل

بعد از اینکه فرد با کنش‌های اخلاقی آشنا شد و از آن اطلاع یافت، از آنجایی که شوق انسان به اموری تعلق می‌گیرد که آن‌ها را برای خود مفید بدانند، نیاز است بعد از تصور یک کنش، تصدیق به فایده هم داشته باشد. در ادامه به روش‌های ناظر به تصدیق فعل اشاره می‌شود.

۱. شبهه‌زدایی

گاهی کنشگر اخلاقی به خوبی یک کنش علم پیدا می‌کند؛ مثلاً از مریبی خود می‌شنوند که فلان کنش اخلاقی دارای ارزش مثبت است و خوب تلقی می‌شود، اما به دلیل وجود شبهات و سؤالاتی، فایده‌مندی و سودبخشی آن را تصدیق نمی‌کند. برای مثال، علی‌رغم علم به خوبی احسان به دیگران و کمک به نیازمندان، از نگاه دین و اخلاق اسلامی، اما به دلیل درگیر شدن با شبهاتی مثل اینکه کمک به فقرا و نیازمندان چیزی جز توسعه بی‌کاری و ترویج بی‌عاری و تکثیر ذلت نفس و امثال آن نیست، از احسان به دیگران و کمک به نیازمندان خودداری می‌کند. در چنین حالتی نخستین کاری که یک مریبی اخلاقی باید انجام دهد شبهه‌زدایی و مانع‌زدایی از تأثیر علم است. خود متریبی هم باید بکوشد با طرح سؤال و شبهه خود نزد عالمان، موانع ذهنی و بینشی کنش‌های اخلاقی را برطرف کند. به تعبیر ملاصدرا، یک متریبی برای آنکه موفق به انجام کار خیر شده و به حق واصل شود، لازم است غرور و خودبینی و خودبزرگ‌بینی را کنار گذاشته و با بهره‌مندی از نور قرآن و سخنان اهل بیت (علیهم‌السلام) و بهره‌گیری از توصیه‌ها و اندیشه‌های عالمان دین و اهل بصیرت، شبهات و سؤالات ذهنی خود را حل کند (همان، ج ۱: ص ۵۸۷).

۲. جهل‌زدایی

لزوماً عامل بسیاری از ترک فعل‌ها و بی‌اخلاقی‌ها، جهل بسیط نیست، بلکه جهل مرکب است. یعنی چنین نیست که متریبی تصور و درکی از فعل و وظیفه مورد انتظار نداشته باشد و یا حتی تصدیق به فایده‌مندی آن نکرده باشد؛ بلکه مشکل از آنجا ناشی می‌شود که دچار جهل مرکب شده است. یعنی گمان می‌کند که می‌داند، درحالی‌که نمی‌داند. گمان می‌کند که درست فهمیده است، درحالی‌که فهم و تصور درستی از فعل مربوطه پیدا نکرده است. در اینجا کار بزرگ مریبی اخلاقی این است که متریبی را از جهل مرکب نجات دهد، او را نسبت به اشتباه خودش واقف کند، حقایق را به او بنمایاند که البته کاری بس دشوار، اما شدنی است. انس با اهل علم و معرفت و گفت‌وگو با آن‌ها از جمله راه‌هایی است که به اعتقاد صدرا در جهل‌زدایی به‌کار می‌آید (همان، ج ۲: ص ۱۷۳). افزون بر این، به دلیل مقاومت بسیاری از افراد در برابر راهنمایی‌ها و تذکرات مستقیم و صریح، لازم است مریبی از روش‌هایی استفاده کند که به‌صورتی غیرمستقیم و غیرصریح بینش صحیح را به متریبی منتقل کند و او را از اشتباه در فهم باز دارد. فی‌المثل، با گفت‌وگوی علمی و بحث نظری با متریبی، البته با در نظر گرفتن سطح معرفت و دانش او، می‌توان در ضمن بحث و گفت‌وگوی آزاد و عالمانه، او را به اشتباهش واقف و بینش صحیح را به او منتقل کرد (همان، ج ۳: ص ۲۵۷).

افزون بر این، با استفاده از تمثیل و ذکر نمونه‌هایی عینی از اهل فضیلت و تبیین بینش‌های آن‌ها می‌توان بینش صحیح نسبت به کنش‌های اخلاقی و در نتیجه، تصدیق به فایده انجام آن را به متریبی منتقل کرد. هرچند بیان تمثیل منحصر به دوره خاص و سن خاصی نیست، ولی در اوایل شکل‌گیری ناطقیت انسان که فرد تفکر قوی‌ای ندارد، این روش کمک زیادی می‌کند و از طریق مشاهده می‌توان کنش‌های مختلفی را به فرد آموزش داد. ملاصدرا در توضیحی ذیل آیه «صَرَبَ لَكُمْ مَثَلًا مِنْ أَنْفُسِكُمْ» (روم: ۲۸) می‌گوید از آنجایی که بسیاری از فهم‌ها قاصر از درک ماهیت عقلی اشیا هستند، نیاز است که مثال‌هایی محسوس برای آن‌ها بیان شود تا مطالب به نحو بهتری درک شود (همان، ج ۱: ص ۳۱۷). این ملاکی کلی است و برای فهم‌هایی که بعضاً در درک برخی مطالب قاصرند، تمثیل یکی از راه‌هایی است که فرد را در مقام تصدیق به فایده قرار می‌دهد.

۳. غفلت‌زدایی

هرچند به اعتقاد بسیاری از فیلسوفان، از جمله ملاصدرا، وجه ممیز انسان از سایر جانداران در ناطقیت است (عاشوری و شریفی، ۱۳۹۹: صص ۴۹-۴۳)، لازمه این امر این نیست که فرد در تمامی حالات به هر آنچه علم داشته، التفات هم داشته باشد؛ بلکه چه بسا علمی به صورت نیمه‌آگاهانه در بیاید که نیاز به التفات و توجه پیدا کردن داشته باشد؛ از این رو، ممکن است فردی با معارفی آشنا شده باشد و به سبب آشنایی با آن معارف، برخی از رفتارها و کنش‌ها را ترک کند و یا انجام دهد، ولی در هنگام غفلت از آن معارف، به اشتباه اموری را که با آن معرفت تضاد دارند را تصدیق کند و انجام دهد. در اینکه غفلت بر انسان عارض می‌شود جای شک و شبهه‌ای نیست؛ انسان به سبب مشغولیت به امور مختلف، ممکن است از حقایق غافل شود. ملاصدرا در عبارات مختلفی به بحث غفلت انسان اشاره کرده است (همو، ۱۳۶۱، ج ۵: صص ۱۲۵ و ۱۷۶؛ ج ۶: ص ۹۶؛ ج ۱: ص ۳۹۷؛ ج ۷: ص ۳۴) و می‌گوید یکی از علل انجام معاصی و کنش‌های ضد ارزشی، غفلت است (همان، ج ۱: ص ۳۹۷)؛ از این رو، لازم است برخی از امور را برای افراد متذکر و یادآور شویم تا غفلت‌زدایی رخ دهد و از اشتباه در تصدیق به فایده جلوگیری شود.

۴. اندیشه‌ورزی

از جمله اموری که می‌تواند تأثیری ماندگار در زیست اخلاقی متربیبان داشته باشد این است که در اطراف کنش‌های اخلاقی و فضایل و رذایل اخلاقی اندیشه و تعقل کنند. به اعتقاد ملاصدرا، یک مربی اصیل کسی است که متربیبان خود را به تفکر در فضایل و کنش‌های اخلاقی تشویق کرده و

سوق می‌دهد. اگر متربی در کنش‌ها تفکر کند، هدف از انجام آن‌ها را فراموش نمی‌کند و می‌داند هدف از تزکیه کسب علوم و معارف حقه است. ملاصدرا معتقد است که اگر کسی در عمل و ریاضت، بدون تفکر و بصیرت پیش رود، این تصفیه و تزکیه وبال او می‌شود؛ زیرا اگر قلبی که تصفیه شده است با معارف آشنا نشود، قلب به خیالات چنگ می‌زند و چه بسا اعتقادی فاسد در باب ذات و صفات الهی در او ایجاد شود (همو، ۱۳۸۳، ج ۲: ص ۲۰۵)؛ از این رو، اولین اثر تفکر هنگام انجام کنش‌های اخلاقی این است که فرد از هدف غافل نمی‌شود و در نتیجه، قلب او بعد از تصفیه دچار آفات نمی‌شود. دومین اثر هم این است که اگر ما انسان را به تفکر در کنش‌های اخلاقی سوق دادیم، سبب می‌شود که او آن کنش‌ها را از روی تفکر انجام دهد نه از روی وهم و عواطف و احساسات؛ وقتی چنین شد، صدور آن کنش از او پایدارتر است و متأثر از امور خیال‌انگیز نخواهد شد. ملاصدرا می‌گوید اکثر افرادی که دیگران را به کارهای نیک امر می‌کنند ولی خودشان و اصلاح نفسشان را فراموش کرده‌اند کسانی هستند که در علوم ظاهری مانده‌اند بدون هیچ تحقیقی و صرفاً ناقل روایات هستند بدون تدبیر در آن‌ها (همو، ۱۳۶۱، ج ۳: ص ۲۶۳).

روش‌های ناظر به شوق و شوق‌اکید

در این بخش روش‌هایی بیان می‌شود که در شوق و میل انسان مؤثرند. با توجه به اینکه شوق و شوق‌اکید از یک نوع‌اند و صرفاً در میزان شدت و ضعف متفاوت‌اند، روش‌های ذیل این دو مرحله به صورت یک‌جا ذکر می‌شود.

۱. وعد و وعید

با توجه به اینکه فصل ممیز انسان از نگاه صدرا «ناطقیت» و عقلانیت است (ر.ک.: عاشوری و شریفی، ۱۳۹۹: صص ۴۹-۴۳)، طبیعتاً او در اطراف کارهای اختیاری خود اندیشه می‌کند و با توجه به آثار و پیامدها و نتایجی که از آن‌ها انتظار دارد، آن‌ها را انجام می‌دهد یا ترک می‌کند. ملاصدرا تصریح می‌کند که وعده و وعید، یعنی نشان دادن پیامدهای گوارا یا ناگوار رفتارها، می‌تواند میل و شوق و گرایش انسان را به انجام یا ترک آن‌ها برانگیزد (صدرالدین شیرازی، ۱۳۸۳، ج ۴: ص ۲۸۵؛ همو، ۱۳۶۱، ج ۱: صص ۳۴۱-۳۴۰).

۲. تشبیه و تشویق

اینکه انسان را صاحب فکر می‌دانیم، موجب می‌شود بگوییم او با دیدن نتیجه کاری که انجام داده

است تحت تأثیر قرار می‌گیرد؛ از این رو، تنبیه و تشویق می‌تواند در ایجاد شوق مجدد در او اثرگذار باشد. چنین فردی اگر تشویق شود، در اوقات دیگر هم برای او شوق حاصل می‌شود و اگر تنبیه شود، در ارتکاب دوباره آن فعل، تجدیدنظر می‌کند. تأثیر تنبیه و تشویق در شوق به این صورت است که وقتی فردی بر امری تنبیه شد، طبیعتاً در هنگام قصد دوباره آن فعل، انجام آن را منافر می‌یابد و از انجام آن صرف‌نظر می‌کند و اگر بر امر پسندیده‌ای تشویق شد، در هنگام قصد دوباره آن فعل، انجام آن را ملائم می‌یابد و آن را انجام می‌دهد. ملاصدرا در عبارتی مطرح می‌کند که ملائم و منافر بودن امور در شوق انسان مؤثر است (همو، ۱۳۶۱، ج ۱: صص ۳۴۱-۳۴۰). در این روش باید دقت شود که با توجه به ناطقیت انسان، هدف از این روش این است که متریبی به تفکر در رفتار خود سوق داده شود و خوبی و بدی یک فعل را با توجه به کمال نهایی خود بسنجد؛ از این رو، تشویق و تنبیه به‌عنوان دارو استفاده می‌شوند، نه اینکه بخواهیم با تشویق دائمی، فردی را به سمت انجام فعلی سوق دهیم و با تنبیه دائمی از انجام عملی بازداریم. افزون بر این، برای متریبان و مربیان توجه به این امر نیز لازم است که گاهی اوقات ساختارهای اجتماعی به‌نحوی چیده شده‌اند که انسان را به امری تشویق یا تنبیه می‌کنند. بر این اساس، دقت در ساختارهای اجتماعی و اصلاح آن‌ها از امور قابل توجه است.

۳. مدیریت عقلانی شوق‌سازها

شکی نیست که انسان موجودی اجتماعی است و زندگی در اجتماع برای بقا و کمال او ضروری است (همو، ۱۳۵۴: ص ۴۸۸)؛ به همین دلیل خلوت و مردم‌گریزی به سبک پاره‌ای از صوفیان قطعاً امری مذموم و خلاف فطرت انسانی است (همو، ۱۳۸۳، ج ۱: ص ۳۹۳)، اما همین میل فطری به زیست اجتماعی اگر کنترل نشود و تحت مدیریت عقل و قوه ناطقه درنیاید، می‌تواند به عاملی مخرب برای کمال انسان تبدیل شود. زیرا هرچند عقلانیت فصل ممیز آدمی از سایر حیوانات است، در اکثر آدمیان خیال است که به‌جای عقل، فرمانروایی می‌کند. افسار شوق و میل و عواطف بسیاری از آنان در دست «خیال» است. اگر به‌صورت افسارگسیخته و کنترل‌نشده به ارتباطات اجتماعی خود شکل دهیم، دستگاه شوق و گرایش و عواطف آدمی از کنترل عقل و معرفت خارج شده و به‌طور کامل، در اختیار خیال قرار می‌گیرد. به همین دلیل، ملاصدرا ضمن آنکه انسان را مدنی بالطبع می‌داند؛ در عین حال، از اهمیت خلوت و گریز از جامعه هم غفلت نکرده است. او می‌گوید به منظور کنترل ورودی‌های قلب و دل، انسان نه‌تنها به خلوت نیاز دارد، بلکه خلوت برای او یک ضرورت است (همو، ۱۳۶۳: ص ۵؛ همو، ۱۳۸۳، ج ۱: صص ۳۷۱ و

۴۴۹؛ همو، ۱۹۸۱، ج ۹: ص ۱۱۹). اهمیت این مسئله برای ملاصدرا تا آنجاست که می‌گوید حتی اگر جایی را برای خلوت نیافت، سر خود را در زیر پارچه‌ای قرار دهد! این کار موجب می‌شود تا زمینه دریافت معارف را پیدا کند (همو، ۱۳۸۳، ج ۱: ص ۴۴۹). منظور این است که اگر انسان نمی‌تواند جایی را برای خلوت خود برگزیند، این طور نشود که هر چیزی را ببیند و هر چیزی را بشنود بلکه باید از چشم و گوش و تمامی ورودی‌های وجودش مراقبت کند و به ضروریات اکتفا کند (همو، ۱۳۸۳، ج ۱: ص ۵۱۸). در نتیجه می‌توان خلوت را یکی از ابزارها و روش‌های مؤثر در مدیریت عقلانی شوق‌سازها دانست. خلوت موجب می‌شود که انسان به دور از داده‌های خیالی و اموری که او را مشغول خود می‌کنند، به «تفکر» در کنش‌های مختلف خود بپردازد و در آنجا با فراغ بال بیشتری به تصدیق فایده‌مندی اموری که داشته بپردازد (همو، ۱۳۸۳، ج ۱: ص ۴۴۹). البته سبک زندگی انسان مدرن و وسایل ارتباط جمعی گوناگون تا حدودی خلوت انسان را تحت الشعاع قرار داده است و انسان به سبب مشغولیت به این امور فرصتی برای خلوت خود فراهم نمی‌آورد، اما منظور از مدیریت عقلانی شوق‌سازها همین است که انسان باید برنامه‌ای برای تمامی اموری که او را تحت تأثیر قرار می‌دهند داشته باشد؛ به نظر می‌رسد با یک برنامه‌ریزی دقیق می‌توان جلوی بسیاری از مسائل را گرفت.

۴. انتخاب همنشین مناسب

طبیعتاً از آنجایی که اکثریت افراد در مرحله خیالی باقی می‌مانند، بیش از اینکه متأثر از قوه عقلانی خود باشند، متأثر از خیال خود هستند و از افرادی که با آن‌ها در معاشرت هستند تأثیر می‌پذیرند و شوق آن‌ها تحت تأثیر قرار می‌گیرد و در مواردی در شدیدشدن شوق هم اثر دارند؛ از این‌رو یکی از روش‌های کنترل و مدیریت درست شوق، انتخاب همنشین مناسبی است که خیال انسان را به سمت کنش‌های اخلاقی ارزشمند سوق دهد. به تعبیر ملاصدرا، یکی از راه‌های طهارت نفس و پاکیزه‌کردن آن از رذایل اخلاقی، اصلاح همنشین است (همو، ۱۳۶۱، ج ۱: ص ۴). گاهی اوقات انسان به خوب بودن رفتاری علم دارد، ولی همنشین او سبب می‌شود که شوق نسبت به آن امر در او اتفاق نیفتد و یا حتی بعد از تصدیق به فایده، در فردی شوق نسبت به انجام آن امر هم حاصل می‌شود ولی همنشین او مانع از شدیدشدن شوق و درنهایت اراده انجام آن می‌شود. برای این امر لازم است انسان در انتخاب همنشین خود دقت داشته باشد و در صورت اشتباه در انتخاب، جدیت لازم را برای تغییر آن داشته باشد. حال چه از سوی فرد و چه از سوی کسانی که در نقش مربی او هستند.

۵. تغییر موقعیت

همان‌طور که گفتیم «خیال» مؤثر بر «شوق» است. از طرفی، ملاصدرا یکی از موارد مؤثر در خیال را «موقعیت» و «مکان» می‌داند (همو، ۱۳۰۲ق: ص ۱۵۷). در نتیجه مکان یکی از اموری است که در شوق انسان اثر می‌گذارد. گاهی اوقات انسان در محیط و بستر اجتماعی قرار دارد که شوق‌های خاصی را در او ایجاد می‌کنند و یا در شدیدشدن شوق او مؤثرند؛ از این رو، لازم است برای کنترل و جهت‌دهی کنش‌های خود، موقعیت و محیط اجتماعی خود را به گونه‌ای سامان دهد که در خدمت تهذیب و اصلاح و تربیت اخلاقی باشد. این همان حقیقتی است که در دین از آن به «هجرت» تعبیر شده است. البته افرادی ممکن است به خاطر شرایط فردی و خانوادگی خود، قادر به هجرت نباشند؛ چنین افرادی تا جایی که امکان دارد باید این امر را اجرایی کنند. مثلاً هر چند فردی نمی‌تواند شهر یا کشور خود را عوض کند، ولی قدرت این را دارد که زیاد در چنان محیط‌هایی حاضر نباشد و موقعیت خود را مدیریت کند.

۶. ریاضت‌های شرعی

شوق انسان به اموری تعلق می‌گیرد که انسان آن‌ها را برای خود سودمند و مفید می‌یابد. یکی از راه‌های تربیت شوق و جهت‌دهی گرایش‌های انسانی به سمت تعالی و کمال این است که غرایز و امیال پست و حیوانی را کنترل کنیم. برای این منظور لازم است هر آنچه را سبب تقویت غرایز حیوانی می‌شود ترک کنیم و در مقابل، هر چه سبب تقویت بعد انسانی انسان می‌شود را تقویت کنیم. یکی از بهترین راه‌ها برای تضعیف و کنترل غرایز حیوانی و تقویت بعد انسانی «ریاضت» است؛ ریاضت موجب طهارت نفس و دوری آن از مشتهیات حیوانی می‌شود (همو، ۱۹۸۱م، ج ۱: ص ۴؛ همو، ۱۳۶۱، ج ۱: ص ۲۷۷)، ریاضت راهی برای قطع اسباب تحریک‌کننده هواهای نفسانی و شوق‌های شیطانی است (همو، ۱۳۶۱، ج ۱: ص ۳۹۷). البته ریاضت نفس و مبارزه با مشتهیات نفسانی باید در چهارچوب موازین عقل و شرع باشد و هرگز نمی‌توان با ریاضت‌های خلاف شرع، نفس را به سوی تعالی و کمال سوق داد (از باب نمونه، ر.ک.: همو، ۱۳۵۴: ص ۲۷۵؛ همو، ۱۳۸۳، ج ۱: صص ۳۶ و ۲۲۷ و ۵۹۲؛ ج ۲: ص ۵۹؛ ج ۳: صص ۴۱۳-۴۱۲؛ ج ۴: صص ۲۴۵-۲۴۶؛ همو، ۱۳۶۱، ج ۱: ص ۱۷۵؛ ج ۵: ص ۱۹؛ همو، ۱۳۶۳: ص ۵۲۳).

۷. تکرار

تکرار یک فعل سبب می‌شود که آن فعل برای ما به صورت یک امر عادی شود و طبیعتاً استقامت از سوی قوای مختلف هنگام صدور آن کمتر شود و ثمره‌اش در ایجاد شوق این است که وقتی انجام

یک کنش آسان بود، طبیعتاً شدت یافتن شوق تسهیل می‌شود. ملاصدرا در عبارتی می‌گوید که با تکرار یک عمل آثار آن در نفس محکم می‌شود و آن عمل به صورت ملکه برای انسان درمی‌آید و به آسانی از انسان صادر می‌شود (همو، ۱۳۶۳: ص ۶۴۷). البته عادت‌ها بر دو قسم‌اند: عادت‌های فعلی و عادت‌های انفعالی (مطهری، ۱۳۸۴، ج ۲۲: ص ۷۳۳)؛ عادت‌های انفعالی ارزش اخلاقی ندارند. بنابراین، مراد از عادت در اینجا «عادت فعلی» است. به‌عنوان مثال، کسی که کمک به دیگران برای او سخت است، هرچند در ابتدای انجام این کنش اخلاقی باید سختی بیشتری بکشد، ولی به مرور زمان و با تکرار آن عمل، انجام آن برای او آسان می‌شود.

روش‌های ناظر به اراده

به سبب اینکه اراده امری وجدانی است، علم به وجود آن دشواری خاصی ندارد ولی بحث از حقیقت و ماهیت اراده از جمله مباحث دشوار در فلسفه است؛ از این رو، در فلسفه اسلامی و نیز در فلسفه غرب، دیدگاه‌های متفاوتی در این باره بیان شده است که جایگاهش در پژوهش حاضر نیست، اما لازم است توضیحی را در باب دیدگاه ملاصدرا در مورد اراده ذکر کنیم و بعد از آن بگوییم روش‌های تربیتی ناظر به این مرحله چه هستند.

ملاصدرا بر این باور است که هرچند عده‌ای اراده را با شوق اکید یکی دانسته‌اند، اما این دو یکی نیستند و دلیل هم این است که در مواردی شوق وجود دارد ولی اراده‌ای صورت نمی‌گیرد. مثل زمانی که فردی متقی میل و شوق به انجام گناهی دارد ولی آن را اراده نمی‌کند یا از آن طرف میل به امری ندارد ولی آن را اراده می‌کند؛ مثل کسی که میل و گرایش به دارویی تلخ ندارد ولی آن را مصرف می‌کند (صدرالدین شیرازی، ۱۴۲۲: ص ۱۸۳؛ همو، ۱۹۸۱، ج ۴: ص ۱۱۳؛ همان، ج ۶: صص ۳۳۹-۳۳۸). اما در جمع‌بندی دیگری که ناظر به این عبارات است می‌گوید حق این است که شوق و اراده تنها در شدت و ضعف است که تفاوت دارند (همو، ۱۳۵۴: ص ۲۳۴) و اراده، کمال شوق است (همو، ۱۴۲۲: ص ۲۴۰) و نسبت به مصادیقی که بیان شد می‌گوید آنجایی که فرد متقی، علی‌رغم میل، آن معصیت را انجام نمی‌دهد، به سبب آن است که میل شدیدتر عقلی وجود دارد (همو، ۱۳۵۴: ص ۲۳۴). علت هم این است که نفس انسان به سبب اینکه علاوه بر قوای انسانی، دارای قوای حیوانی و نباتی هم هست، قوای شوقیه در او شامل قوای شوقیه در حیوان و قوه شوقیه در انسان می‌شود؛ از این رو، به نظر ما اراده در انسان، رهاورد و فعلی است که بعد از گذر از قوای شوقیه حیوانی که غضب و شهوت باشند (همو، ۱۹۸۱، ج ۸: ص ۱۳۰) و عقل عملی از سوی انسان صادر می‌شود و سبب حرکت عضلات می‌شود و تابع مرحله وجودی فرد است. البته

واضح است که اراده به‌عنوان یکی از افعال انسان دیگر خود ارادی نیست (همو، ۱۹۸۱، ج ۶: ص ۱۶۲).

با توجه به این توضیح، به نظر ما روش‌های ناظر به اراده همان روش‌های مربوط به شوق اکید است و به همین سبب، می‌بینیم که در برخی از پژوهش‌های صورت گرفته در باب تقویت اراده، روش‌هایی ذکر شده است که مختص به اراده نیست؛ بلکه یا می‌توان آن‌ها را در روش‌های بینشی و از باب مقدمه قرار داد و یا در روش‌های مربوط به گرایش و شوق انسانی که اراده از جنس آن است. به‌عنوان مثال، به مواردی همچون یادآوری و توجه و شنیدن موعظه (عالم‌زاده نوری، ۱۳۹۶: صص ۲۷-۲۶ و ۳۳-۳۴) و یا آگاهی به دلایل روشن (آریان و جهان‌پناه، ۱۳۹۸: صص ۸۰-۷۹) اشاره شده است که با توجه به توضیحات پیشین، مشخص می‌شود که این‌ها در تصور و تصدیق به فایده مؤثر هستند و مقدمه‌ای برای اراده هستند و یا به مواردی همچون مقابله با هوا و تضعیف امیال، مرادوه با اهل ایمان (نوری عالم‌زاده، ۱۳۹۶: صص ۲۸-۲۷ و ۳۵-۳۴)، انداز و توجه به عواقب اعمال و الگوگیری از افراد صاحب اراده قوی (آریان و جهان‌پناه، ۱۳۹۸: صص ۸۴-۸۳، و ۸۶-۸۵) اشاره شده است، اما با توجه به آنچه در روش‌های شوق و شوق اکید نام بردیم و توضیح دادیم، مشخص است هر کدام از این‌ها ذیل روش‌های ناظر به شوق و شوق اکید قرار می‌گیرند. همچنین، از مواردی جزئی‌تر همچون روزه و انفاق به‌عنوان امور مؤثر بر تقویت اراده نام برده شده است (عالم‌زاده نوری، ۱۳۹۶: صص ۳۳-۳۲)؛ اما مشخص است که روزه و انفاق نیز از امور مؤثر بر شوق انسان است، زیرا می‌توان آن را ذیل ریاضت‌های شرعی قرار داد. از این‌رو، به نظر ما روش خاص و مجزایی که اختصاص به این مرحله از صدور فعل داشته باشد وجود ندارد و هر آنچه را که در شوق اکید بیان کردیم، می‌توان از روش‌های ناظر به اراده دانست؛ زیرا اراده انسان فعل درونی است که انسان به سبب عشقی که به خود دارد انجام می‌دهد و هرآنچه را که مطلوب برای خود بیاید، در پی آن می‌رود و هرآنچه را که نامطلوب بداند ترک خواهد کرد؛ حال گرایش افرادی، به سبب اینکه وجود و ذاتشان را در مرحله حیوانی متوقف کرده‌اند، به اموری متناسب با این سطح از وجود تعلق می‌گیرد و چنین کنش‌هایی را اراده می‌کنند و از طرفی، کسانی که وجود خود را ارتقا داده‌اند، گرایش و شوق عقلی آن‌ها بیشتر است و کنش‌هایی این‌چنینی را اراده خواهند کرد. ملاصدرا می‌گوید اگر انسان در بین دواعی و شوق‌ها مردد ماند و یک طرف ترجیح پیدا نکرد، در این هنگام به قوه فکری رجوع می‌کند تا یک طرف را ترجیح دهد (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۱، ج ۱: ص ۳۴۱).

روش‌های ناظر به قوه محرکه

قوه محرکه عضلات از قوای خادمه انسان است که در اعصاب و ماهیچه‌های بدن گسترده است و به وسیله آن‌ها در خدمت شوق انسان قرار می‌گیرد (همو، ۱۹۸۱، ج ۸: ص ۱۳۰). بعد از حصول شوق است که قوه محرکه عضلات از طریق رگ‌ها و اعصاب در بدن و انبساط و انقباض، عضلات را به حرکت درمی‌آورد. اساساً نفس به وسیله بدن است که کمال می‌یابد و بدن برای تکامل نفس لازم است (همو، ۱۳۶۱، ج ۶: ص ۲۸۳)؛ از این رو، تمامی امور مربوط به بدن و کنترل و جهت‌دهی‌هایی که مربوط به اصلاح بدن است، در این بخش جای می‌گیرند و هرآنچه سبب سلامتی بدن انسان باشد در روش‌های این بخش ذکر می‌شود؛ زیرا انسان بعضاً تمامی مراحل قبل از صدور فعل را داراست ولی به سبب عدم سلامتی و توانایی جسمی نمی‌تواند کنشی را که مطلوب تشخیص داده و میل به آن هم دارد و حتی اراده هم کرده است انجام دهد. ملاصدرا بیان می‌کند همین امر که فرد به چیزی شوق دارد و حتی آن را هم اراده می‌کند ولی نمی‌تواند انجام دهد، دلیل و مؤیدی است برای اینکه امر دیگری به نام قوه محرکه نیز در صدور فعل دخیل است (همو، ۱۳۵۴: ص ۲۳۴).

با توجه به این توضیح، از شرایط لازم برای تربیت اخلاقی در مکتب اخلاقی صدر، سلامت جسمی و صحت بدنی است. به همین دلیل در تربیت اخلاقی باید به امور زیر توجه کرد:

۱. تغذیه: شکی نیست که تغذیه از امور مؤثر بر بدن است (صدرالدین شیرازی، ۱۳۸۳، ج ۲: ص ۲۵۶؛ همو، ۱۳۶۰ الف: ص ۳۶۲). ملاصدرا صحت و سلامتی بدن را در اعتدال مزاج می‌داند (همو، ۱۳۸۳، ج ۱: ص ۴۱۹؛ همان، ج ۲: ص ۲۰) و معتقد است تغذیه در مزاج انسان اثرگذار است (همو، ۱۳۶۱، ج ۵: ص ۳۶۳)؛ از این رو، توجه به امر تغذیه در این باب ضرورت دارد. ملاصدرا در عبارتی اشاره می‌کند که چیزهایی مثل گوشت خوک و غیره که برخی به‌عنوان غذا مصرف می‌کنند، رزق اصلی انسان نیستند (همو، ۱۳۶۱، ج ۱: ص ۵۱۲)، حال یا به سبب اثرات مخرب روحی که این دسته از اطعمه بر نفس انسان می‌گذارند و یا اینکه سبب بیماری‌هایی در جسم انسان می‌شوند.
۲. مسکن: ملاصدرا اشاره می‌کند که مسکن نیز از اموری است که در بقای شخص مؤثر است (همو، ۱۳۶۰ الف: ص ۳۶۲)؛ از این رو، توجه به مسکن نیز برای حفظ بدن و سلامتی بدن دارای اهمیت است و می‌توان از آن نام برد.
۳. لباس و پوشش: از دیگری اموری که ملاصدرا آن را در بقای فرد مؤثر می‌داند لباس است (همو، ۱۳۶۰ الف: ص ۳۶۲)؛ از این رو، توجه به این امر نیز ضرورت می‌یابد و انسان نمی‌تواند نسبت به نحوه و نوع پوشش خود بی‌تفاوت باشد.

بررسی و تحلیل

آنچه بعد از بیان روش‌های مذکور اهمیت دارد، بررسی الگویی است که ما برای بیان روش‌های تربیت اخلاقی ذکر کرده‌ایم. بیان شد که روش‌های تربیت اخلاقی را از حیث‌های گوناگون می‌توان بررسی کرد؛ از حیث دوره‌های تربیت، یا از حیث درجات ایمان مرتبی، یا از حیث وظیفه‌مربی یا مرتبی، یا از حیث زمینه‌ساز بودن برای پرورش فضایل و زدودن رذایل. با این حال، ما روش‌های تربیت اخلاقی را براساس مراحل صدور فعل از انسان بیان کردیم. از جمله نقاط قوت این روش عبارت‌اند از:

۱. سادگی و آسان‌فهم بودن این روش یکی از وجوه امتیاز آن است. این سبک از بیان روش‌های تربیتی برای هر کس به آسانی قابل درک و فهم است. هر فردی با مراجعه به خود در هر کنش اخلاقی می‌تواند این سیر و موارد مؤثر بر مرحله را به‌خوبی مشاهده و درک کند.
۲. عمومیت دارد و برخلاف برخی از شیوه‌های مذکور محدود نیست و تمامی افراد را در هر دوره‌ای از تربیت و در هر درجه‌ای از ایمان شامل می‌شود، زیرا طبق آنچه بیان کردیم، ملاصدرا صدور هر فعلی از هر انسانی را مبتنی بر طی این مراحل می‌داند.
۳. برخلاف برخی از پژوهش‌هایی که در این مسئله صورت گرفته است و از نظم و انسجام منطقی خاصی برخوردار نبوده و صرفاً روش‌هایی را در تربیت اخلاقی برشمرده‌اند، دارای نظم و انسجامی منطقی است و دقیقاً نقشه‌راه را مشخص کرده است که ذیل هر کدام از مراحل صدور فعل چه روش‌هایی قابلیت اجرا را دارد و چطور این روش‌ها تأثیرگذار هستند.
۴. در این روش تأکید بر بُعد بینشی است و روش‌های این مرحله به‌عنوان اصل و اساس هستند، و سایر روش‌ها را صرفاً از باب رفع موانع ذکر می‌کند و این با دیدگاه ملاصدرا در باب فصل‌مميز و حقیقت انسان سازگار است.

درکنار نقاط قوتی که ذکر کردیم، این روش، نقاط ضعف و ابهامی هم دارد که عبارت‌اند از:

۱. ملاصدرا مرز مشخصی را بین شوق اکید و اراده تبیین نکرده است و اینکه آیا می‌شود مرحله‌ای را همچون عزم و جزم، که مرحوم سبزواری در حاشیه بر اسفار بیان کرده است (همو، ۱۹۸۱، ج ۶: ص ۴۰۷)، در این بین در نظر گرفت و روش‌ها را به‌صورت جزئی‌تر بیان کرد یا خیر؟
۲. بحث تصدیق به فایده این اشکال مبنایی را به ذهن می‌آورد که پذیرفتن بیان چنین نگرشی مستلزم پذیرش سودگرایی و حتی خودگرایی است، مگر اینکه فایده را امری عام و فراتر از

سود و زیان‌های مادی و شخصی بگیریم تا با قرب الهی در نظام اخلاق توحیدی تضادی نداشته باشد.

۳. در امور مؤثر بر سلامتی بدن که ذیل روش‌های ناظر به قوه محرکه بیان شد، ملاحظه را به بیان کلیاتی بسنده کرده است و در عبارات او سخنی در چگونگی تأثیر آن‌ها نیافتیم.

۴. این روش، نسبت به درجات ایمان خنثی است و به صورت ملموس برای هر درجه‌ای از ایمان، روشی را ذکر نکرده است؛ مثلاً تأثیر موقعیت و مکان بر گرایش انسان مطرح شد، اما اینکه این در افراد مختلف به چه صورت است و افراد مختلف تا چه حدی باید نسبت به تأثیر محیط و مکان خود اهمیت دهند، در این الگو مطلبی بیان نشده است.

۵. مراحلی که ذکر شد نسبت به افعال بیرونی انسان مطرح هستند، اما نسبت به برخی از کنش‌های اخلاقی که صرفاً درونی هستند مثل حسد و غیره، لزوماً تمامی این مراحل جاری نیست؛ به عبارتی، این روش و الگو در باب افعال جوارحی انسان به خوبی جریان دارد، اما در افعال جوانحی انسان به این صورت جاری نمی‌شود و از این رو، تمامی کنش‌های اخلاقی را دربر نمی‌گیرد.

۶. این روش یک سیر یک‌طرفه را بازگو کرده بود و انتهای این سیر را صدور کنشی اختیاری دانسته بود؛ اما اینکه نقش کنش‌های صادره از انسان در هر کدام از مراحل پیشین و همچنین، نقش شوق و شوق اکید در بینش و تصدیق به فایده دقیقاً به چه صورت است چندان مورد توجه قرار نگرفته است. هر چند در روش‌های ناظر به شوق و شوق اکید به تأثیر برخی کنش‌ها اشاره‌ای شد، درباره اینکه صدور یک فعل از سوی انسان چه تأثیری در مبانی بینشی او دارد مطلبی ذکر نشد؛ تأثیری که جای انکار ندارد و قرآن کریم هم به این حقیقت اشاره کرده است: «ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ أَسَاءُوا السَّوْأَىٰ أَن كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَكَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِئُونَ» (روم: ۱۰).

نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

- روش‌های تربیت اخلاقی را از حیثیات گوناگونی می‌توان مورد بررسی قرار داد ولی آنچه ما به دنبال آن بودیم بیان روش‌های تربیت اخلاقی ذیل مراحل صدور فعل از انسان بود که عبارت‌اند از: ۱. تصور فعل، ۲. تصدیق به فایده، ۳. شوق، ۴. شوق مؤکد، ۵. اراده، ۶. قوه محرکه عضلات.

- روش‌های ناظر به تصور فعل عبارت‌اند از: ۱. برخورداری از آگاهی‌های زمینه‌ای، ۲. کسب

- علم و آگاهی نسبت به کنش‌های اخلاقی.
- روش‌های ناظر به تصدیق فایده عبارت‌اند از: ۱. شبهه‌زدایی، ۲. جهل‌زدایی، ۳. غفلت‌زدایی، ۴. اندیشه‌ورزی.
- روش‌های ناظر به شوق و شوق‌اکید عبارت‌اند از: ۱. وعد و وعید، ۲. تنبیه و تشویق، ۳. مدیریت عقلانی شوق‌سازها، ۴. انتخاب همنشین مناسب، ۵. تغییر موقعیت، ۶. ریاضت‌های شرعی، ۷. تکرار.
- ملاصدرا اراده را از جنس شوق می‌داند و تفاوت شوق و شوق‌اکید و اراده را صرفاً در شدت و ضعف می‌داند؛ از این رو، روشی مختص به اراده وجود ندارد، بلکه همان روش‌های ناظر به مرحله شوق‌اکید در اینجا هم مطرح است.
- روش‌های ناظر به قوه محرکه عضلات مواردی هستند که بر حفظ و سلامتی بدن مؤثرند که ملاصدرا به مواردی همچون تغذیه، مسکن و لباس و پوشش اشاره کرده است.
- بیان روش‌های تربیت اخلاقی، طبق الگوی مراحل صدور فعل از انسان، دارای نقاط ضعف و قوتی است. نقاط قوت عبارت‌اند از: ۱. سادگی و آسان‌فهم بودن، ۲. عمومیت داشتن، ۳. دارای نظم و انسجام منطقی بودن، ۴. سازگاری با دیدگاه ملاصدرا در باب فصل‌میز انسان. نقاط ضعف نیز عبارت‌اند از: ۱. فقدان مرز مشخصی بین اراده و شوق‌اکید، ۲. مطرح‌شدن شبهه سودگرایی و خودگرایی، ۳. کلی بودن عبارات ملاصدرا در باب امور مؤثر بر سلامتی و حفظ بدن، ۴. خنثی بودن نسبت به درجات ایمان، ۵. عدم جریان مراحل صدور فعل در تمامی کنش‌های اخلاقی، ۶. یک‌سویه مطرح‌شدن.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

کتابنامه

۱. قرآن کریم.
۲. آریان، حمید؛ جهان‌پناه، محمدعلی. ۱۳۹۸. «عوامل مؤثر بر اراده انسان و تقویت آن در راستای انجام عمل صالح از نظر قرآن». معرفت. شماره ۲۵۷. صص ۸۶-۷۷.
۳. بابازاده، طاهره؛ نوروزی، رضا علی. ۱۳۹۲. «تحلیلی بر اهداف و روش‌های تربیتی مبتنی بر کمال نفس از دیدگاه ملاصدرا». تربیت اسلامی. شماره ۱۶. صص ۵۶-۳۱.
۴. داودی، محمد؛ بهشتی، محمد؛ بهشتی، سعید. ۱۳۹۹. درآمدی بر فلسفه‌های تعلیم و تربیت در تمدن اسلامی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. تهران: سازمان مطالعه و تدوین علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی. چاپ اول.
۵. راستیان، ابراهیم. ۱۳۹۵. درآمدی بر تربیت دینی بر اساس حکمت متعالیه. تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام. چاپ اول.
۶. رحیم‌پور، فروغ‌السادات؛ بیادار، هنگامه. ۱۳۹۵. «روش‌های تربیت نفس از دیدگاه ملاصدرا». انسان پژوهی دینی. شماره ۳۶. صص ۷۹۰-۷۳.
۷. شریفی، احمدحسین. ۱۳۹۶ الف. دانشنامه اخلاق کاربردی. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمة الله علیه. چاپ دوم.
۸. _____ ۱۳۹۶ ب. «بررسی مدل صدرايي "گزینش عقلانی" به عنوان روشی برای "تبیین" کنش‌های انسانی». معرفت فرهنگی اجتماعی. شماره ۳۳. صص ۴۰-۲۵.
۹. شنیدی، هدیه؛ هاشمی، سیدجلال. ۱۳۹۴. «تحلیل فلسفی هوشمندی نظام هستی در حکمت متعالیه و تأثیر ایمان به آن در تربیت اخلاقی: ارائه یک مبنای نظری برای اخلاق‌مداری و تربیت اخلاقی». پژوهش‌های تعلیم و تربیت اسلامی. شماره ۱۱. صص ۱۱۲-۹۱.
۱۰. شهریار، محمد. ۱۳۹۸. «تدوین الگوی فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی بر مبنای نظام وجودشناختی معرفت در حکمت متعالیه» رساله دکتری رشته فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی. دانشگاه علامه طباطبائی.
۱۱. شیخ‌زاده نکابی، یعقوب. ۱۳۹۲. «بررسی تطبیقی تربیت اخلاقی از دیدگاه غزالی و ملاصدرا». پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش. دانشگاه اصفهان.
۱۲. صدرالدین شیرازی، محمدبن ابراهیم. ۱۳۵۴. المبدأ و المعاد. تصحیح سید جلال‌الدین آشتیانی. تهران: انجمن حکمت و فلسفه ایران.
۱۳. _____ ۱۳۶۰ الف. الشواهد الربوبية فی المناهج السلوکية. مشهد: مرکز الجامعی للنشر.

۱۴. _____ ۱۳۶۰ ب. اسرار الآیات. تصحیح محمد خواجهی. تهران: انجمن حکمت و فلسفه ایران.
۱۵. _____ ۱۳۶۱. تفسیر القرآن الکریم. قم: انتشارات بیدار. چاپ دوم.
۱۶. _____ ۱۳۶۳. مفاتیح الغیب. تصحیح محمد خواجهی. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۱۷. _____ ۱۳۸۳. شرح اصول الکافی. تصحیح محمد خواجهی. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۱۸. _____ ۱۳۸۷. سه رسائل فلسفی. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۹. _____ ۱۳۰۲ ق. مجموعه الرسائل التسعة. تهران: بی‌نا.
۲۰. _____ ۱۴۲۲. شرح الهدایة الاثیریة. بیروت: مؤسسة التاریخ العربی.
۲۱. _____ ۱۹۸۱ م. الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة. بیروت: دار احیاء التراث.
۲۲. _____ بی‌تا. الحاشیة علی الهیات الشفاء. قم: انتشارات بیدار.
۲۳. عاشوری، حمید؛ شریفی، احمدحسین. ۱۳۹۹. «فصل ممیز انسان و تأثیر آن در اصول تعلیم و تربیت از نگاه ملاصدرا». اسلام و پژوهش‌های تربیتی. شماره ۲۳. صص ۴۱-۵۴.
۲۴. عالم‌زاده نوری، محمد. ۱۳۹۶. «عوامل تقویت اراده و قدرت افزایش عمل». معرفت. شماره ۲۳۹. صص ۲۵-۳۶.
۲۵. عبدالهی، مهدی. ۱۳۹۰. کمال نهایی انسان و راه تحصیل آن از دیدگاه فیلسوفان اسلامی. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (رحمة الله علیه).
۲۶. کرمی شهریار، احسان؛ بهشتی، سعید. ۱۳۹۹. «تدوین الگوی تعلیم و تربیت پلیس اسلامی بر مبنای حرکت جوهری انسان در حکمت متعالیة صدرالمتألهین». بصیرت و تربیت اسلامی. شماره ۵۵. صص ۱۰۱-۱۴۳.
۲۷. مطهری، مرتضی. ۱۳۸۴. «تعلیم و تربیت در اسلام». در مجموعه آثار استاد شهید مطهری. ج ۲۲. تهران: انتشارات صدرا.

